

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع نشست:

سلسله نشست‌های تخصصی اندیشه تمدنی رهبر شهید انقلاب اسلامی

نشست (۱):

صدق و تعهد در هستی‌شناسی تمدن از دیدگاه آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای قدس الله نفس الزکیه

باحضور:

حجت‌الاسلام دکتر حبیب‌الله بابایی

دانشیار پژوهشکده مطالعات تمدنی و اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

اردیبهشت ۱۴۰۵

فهرست

- ۵..... بررسی اندیشه تمدنی امام شهید با تأکید بر مؤلفه صداقت و اخلاق
- ۵..... دو رویکرد در نسبت‌سنجی اخلاق و تمدن
- ۵..... تمدن، امری انسانی یا فیزیکی (نگاهی به آرای علامه جعفری و اشمیت)
- ۶..... تفسیر تمدنی فضایل اخلاقی
- ۶..... غفلت از ابعاد تمدنی اخلاق در میان اندیشمندان
- ۶..... فاصله عمیق میان تمدن‌پژوهان و اخلاق‌پژوهان
- ۷..... جستجوی بدیل صدق و تعهد در تمدن غرب
- ۸..... دروغ در تمدن غرب؛ مسئله‌ای فراتر از زبان
- ۸..... ریشه‌یابی کذب در تمدن غرب
- ۹..... تحول مفهوم حقیقت در دوره روشنگری
- ۹..... تحول کذب از امری فردی به امری نهادی در اندیشه پست‌مدرن
- ۹..... الگوریتم‌های دروغ در دوران معاصر غرب
- ۹..... نقطه عزیمت به سوی اندیشه تمدنی امام شهید
- ۱۰..... دنباله‌روی دروغ در عرصه‌های واقعی و اجتماعی غرب
- ۱۰..... جمع‌بندی مراحل تحول دروغ در تمدن غرب
- ۱۰..... دروغ‌گفتمانی، تکنولوژیک و سیستمی در عصر هوش مصنوعی
- ۱۱..... آثار روایی در ترویج دروغ در تمدن غرب
- ۱۱..... فیلم‌های ترویج‌دهنده دروغ
- ۱۳..... ضرورت و دستاوردهای احتمالی یک تحقیق تمدنی درباره دروغ در فرهنگ و تمدن غرب
- ۱۳..... نگاه ابزاری به صدق در اندیشه برخی متفکران غرب
- ۱۴..... صدق در اندیشه تمدنی امام شهید
- ۱۴..... توسعه معنایی صدق

- ۱۴..... خروج مفاهیم اخلاقی از حصار فردیت در اندیشه امام شهید
- ۱۴..... صدق؛ شرط تحقق توحید در هویت فردی و تمدنی
- ۱۴..... صدق در ادیان ابراهیمی
- ۱۵..... صدق، موتور محرک تمدن
- ۱۵..... صدق، عامل یکپارچگی در برابر نفاق
- ۱۵..... تمدن کاذب در تضاد با سنتهای الهی
- ۱۵..... اعتماد چند لایه؛ سوخت حرکت تمدنی در اندیشه امام شهید
- ۱۶..... هستی‌شناسی صدق در اندیشه امام شهید
- ۱۶..... صدق، رمز هماهنگی تمدن با نظام حق
- ۱۶..... تأملی در آیه میثاق مومنان از نگاه امام شهید
- ۱۶..... خلف وعده نخبگان؛ خروج تمدن از مدار واقعیت
- ۱۶..... صدق مسئولان؛ مکانیسم تولید اعتماد عمومی و قدرت ملی
- ۱۷..... حضور فعال مردم؛ شرط حیات تمدن
- ۱۷..... صدق در دیپلماسی
- ۱۷..... نفاق و استانداردهای دوگانه
- ۱۷..... امیرالمومنین علی (ع)، الگوی صدق و صراحت در رأس حکومت
- ۱۷..... گره‌زنی صدق به قوانین متافیزیکی تاریخ
- ۱۸..... تمدن‌سازی؛ فرایند فرامادی
- ۱۸..... نصرت الهی مشروط به صدق و صبر
- ۱۸..... صدق؛ کلید فعال‌سازی امدادهای غیبی در مهندسی تمدن
- ۱۸..... غربالگری تاریخی تمدن
- ۱۸..... عوامل فروپاشی تمدن از نگاه امام شهید
- ۱۹..... تمدن نوین اسلامی؛ تجلی اجتماعی و جهانی صدق

- ۱۹..... صدق؛ راهبرد کلان تمدن اسلامی
- ۱۹..... صدق؛ مسیر قله تمدن
- ۱۹..... صدق نرم افزار اتصال زمین و آسمان
- ۱۹..... صدق، پذیرش خطر و ایستادگی
- ۲۰..... جام مرگ صادقان؛ سرآغاز حیات تمدنی و انقلابی نو

بررسی اندیشه تمدنی امام شهید با تأکید بر مؤلفه صداقت و اخلاق

آقای دکتر بابایی: نزدیک به بیش از یک سال است که موضوع اندیشه تمدنی امام شهید در مؤسسه انتشارات انقلاب اسلامی وابسته به آثار امام شهید پیگیری می‌شود. روش متداول و مرسوم در این زمینه آن است که با مراجعه به فیش‌های موجود در پایگاه اینترنتی امام شهید، بحث‌های مرتبط با تمدن استخراج و سپس ساماندهی شود. به این ترتیب، اندیشه تمدنی امام شهید، به ویژه در قالب مراحل پنج‌گانه‌ای که ایشان مطرح فرمودند، خلاصه می‌گردد. با این حال، ما عملاً از این روش پیروی نکرده و به گمان خود، بحث را تا حدی عمیق‌تر پیش بردیم.

در مباحثاتی که با یکی از دانشجویان دکتری (که ایشان پیگیری‌های لازم را انجام می‌داد) صورت گرفت، به اولین نکته‌ای برخوردیم که نشان می‌داد امام شهید کاملاً در چارچوب یک اندیشه تمدنی سخن می‌گوید. مطابق این دیدگاه، نمی‌توان از مقوله تمدن در اندیشه ایشان صرف نظر کرد. آن نکته محوری، موضوع «صدق، راستی، تعهد و درست‌گویی» بود. در صورت طبقه‌بندی این یافته در میان مباحث مربوطه، می‌توان چنین ادعا کرد که امام شهید در اینجا به نسبت میان اخلاق و تمدن می‌پردازد.

دو رویکرد در نسبت‌سنجی اخلاق و تمدن

در موضوع نسبت میان اخلاق و تمدن، امکان بحث به دو صورت وجود دارد. گونه نخست آن است که پرسیده شود: اساساً جایگاه اخلاق در تمدن کجاست؟ برخی بر این نکته تأکید می‌کنند که تمدن چیزی جز اخلاق نیست. بر اساس این دیدگاه، هسته مرکزی هر تمدنی را باید در فضیلت‌های انسانی و اخلاقی آن تمدن جستجو کرد و دنبال نمود.

تمدن، امری انسانی یا فیزیکی (نگاهی به آرای علامه جعفری و اشمیت)

برای نمونه، مرحوم علامه جعفری (در صورت اشتباه نکردن در ارجاع، احتمالاً در یکی از مجلدات جلد هجدهم تفسیر نهج‌البلاغه) به این پرسش پرداخته است که: «آیا تمدن یک امر انسانی است یا یک امر فیزیکی و مادی؟» برخی از متفکران غربی نیز مضمونی مشابه را مطرح کرده‌اند؛ از جمله اشمیت در کتاب «فلسفه الحضاره». وی اساساً تمدن را در مناسبات میان «روح با روح» تعریف می‌کند. از همین رو، آبادانی، زوال و تغییر یک تمدن را در گرو آبادانی اخلاقیات، باطنیات و مؤلفه‌های انسانی آن تمدن می‌داند. این مسئله، همان بحث نخست (یعنی جایابی اخلاق در تمدن) به شمار می‌رود.

تفسیر تمدنی فضایل اخلاقی

اما برداشت دیگری که به نظر می‌رسد امام شهید در فرمایشات خود و در بحث «صدق» به آن توجه داشته باشد، عبارت است از این که به جای جایابی اخلاق در تمدن، به تفسیر تمدنی فضایل اخلاقی پرداخته شود. معنای این سخن آن است که به جای پرداختن مستقیم به موضوع تمدن، باید به «رویکرد تمدنی» توجه کرد. بر این اساس، صدق، تعهد، راستی و درستی از منظر یک عالم و اندیشمند تمدنی تحلیل و توصیه می‌شود و احتمالاً در عرصه سیاست‌گذاری نیز اعمال می‌گردد. این رویکرد به آن معنا نیست که ایشان با این کار جایگاه اخلاق در تمدن را دنبال نمی‌کند؛ با این حال، آنچه به عنوان گام اول برداشته شد، در حقیقت یک فهم تمدنی از موضوع صدق و تعهد به شمار می‌رود.

به منظور گشایش بیشتر این موضوع، قصد دارم ابتدا مقدمه‌ای را مطرح کنم و سپس وارد فرمایشات امام شهید شوم. چند متن را نیز آورده‌ام که به نظر من بسیار گویا هستند. این متون تا حدود زیادی آنچه را که در این جلسه خدمت بزرگواران قصد ارائه آن را داریم، روشن خواهند کرد. پرسش اصلی آن است که آیا در این نگاه تمدنی به موضوعات اخلاقی، اساساً کاری انجام گرفته است یا خیر.

غفلت از ابعاد تمدنی اخلاق در میان اندیشمندان

تا آنجا که اینجانب موضوع را دنبال کرده و مورد بررسی قرار داده‌ام، واقعیت غیرقابل انکار آن است که بسیاری از محققان، اساتید و اندیشمندان برجسته حوزه اخلاق، چنان در مباحث جزئی و عمیق اخلاقیات غرق و محض شده‌اند که اساساً به ابعاد تمدنی آن امر اخلاقی هیچ توجهی نمی‌کنند. به عبارت روشن‌تر، این دسته از صاحب‌نظران یا اصلاً التفات و عنایتی به ابعاد تمدنی مسائل اخلاقی ندارند، یا اگر هم دارند، این ابعاد را جزو پروژه فکری و تحقیقاتی خود قرار نمی‌دهند. در نتیجه، مسئله ابعاد تمدنی قلمرو دانشی خود (که شامل اخلاق، فضیلت‌های انسانی، فلسفه اخلاق و مبانی نظری آن می‌شود) به طور کلی از حوزه مطالعاتی ایشان خارج می‌ماند و به آن نمی‌پردازند. این خلأ پژوهشی، یکی از مسائل اساسی است که ضرورت پرداختن به رویکرد تمدنی در موضوعات اخلاقی را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

فاصله عمیق میان تمدن‌پژوهان و اخلاق‌پژوهان

از سوی دیگر، بسیاری از تمدن‌پژوهان ما (یعنی کسانی که به نوعی به بحث و بررسی تمدن‌ها اشتغال دارند و معمولاً تاریخ تمدن‌ها را در جامعه ایرانی مورد مطالعه قرار می‌دهند)، به دلیل آنکه اساساً در کلیشه‌ها و چارچوب‌های محدودکننده تاریخ‌نگاران تمدن محصور و محدود شده‌اند، در مسیر تحقیقات خود به تاریخ تمدنی فضیلت‌های اخلاقی و ردیلت‌های اخلاقی نمی‌پردازند؛ بنابراین، نه تمدن‌پژوهان به اخلاق توجه

کرده‌اند و نه اخلاق‌پژوهان به تمدن پرداخته‌اند. در نتیجه، فاصله بزرگی میان این دو حوزه پدید آمده است. این فاصله و گسست، عملاً ارتباط و پیوند میان این دو موضوع را دشوار و پرچالش ساخته است.

برای مثال، مورخان ما را در نظر بگیرید. اینجانب به دلیل کارهایی که در مجموعه پژوهشکده انجام داده‌ایم، بسیار جستجو کرده و پیگیر این موضوع بوده‌ام که آیا مورخان به تاریخ عدالت در تمدن اسلامی پرداخته‌اند یا خیر. تقریباً می‌توان گفت که هیچ‌یک از این مورخان به این موضوع نپرداخته است.

حلاً پژوهشی تاریخ فضایل اخلاقی در تمدن اسلامی و پیامدهای آن

امروز اتفاقاً در حال جستجو بودم که ببینم اگر بخواهم تاریخ فضیلت‌ها یا رذیلت‌های اخلاقی را در تمدن اسلامی و تمدن غرب مورد بررسی قرار دهم، آیا کتابی در این زمینه می‌توانم پیدا کنم یا خیر. به طور معمول و متأسفانه نه فقط کتاب‌هایی در این زمینه‌ها (به ویژه در فضاهای علمی خودمان) نوشته نشده است، بلکه گاهی اوقات شرق‌شناسان نیز وارد میدان شده‌اند. از آنجا که ما در آن زمینه‌ها سکوت اختیار کرده‌ایم، شرق‌شناسان به روایت‌های غلط و نادرست از فضیلت‌های اخلاقی ما در تاریخ تمدن اسلامی دست زده‌اند. برای مثال، در مورد ایرانیان برخی از شرق‌شناسان به دروغ ادعا کرده‌اند که ایرانیان مردمانی دروغگو و بوقلمون‌صفت هستند. اگر این مسئله را جستجو کنیم، این گزاره مربوط به بوقلمون‌صفتی ایرانیان را در آثار شرق‌شناسی بسیار خواهیم یافت و در آثار تحقیقاتی تاریخی خودمان نخواهیم یافت.

جستجوی بدیل صدق و تعهد در تمدن غرب

امروز (از آن ایام که قرار بود در ارتباط با این موضوع خدمت دوستان باشم) در مورد صدق و تعهد، این پرسش برای من پیش آمد که آیا می‌توان بدیل این دو مفهوم را در برخی تمدن‌ها مثل تمدن غرب جستجو کرد یا نه. از آنجا که مقاله‌ای در این زمینه نوشته‌ام که هم‌اکنون در فرآیند انتشار قرار دارد، این مسئله را پیگیری نمودم. برای من بسیار جالب بود وقتی که در ذهن خودم مرور می‌کردم که اگر بخواهیم مسئله دروغ را در تفکر و تمدن غرب، در اندیشه و فرهنگ غرب و نیز در فکر و عینیات و واقعیات غرب نقطه‌گذاری کنیم، چه تصویری مشاهده خواهد شد. آن تصویر، نقاشی‌های معناداری از این گذشته دو هزار و پانصد ساله (بلکه سه هزار ساله) تمدن غرب خواهد بود. این مشاهده هم در آنجایی انجام می‌شود که به قبل از باستان (یعنی به پانصد، ششصد، هفتصد سال قبل از باستان) بازمی‌گردیم و هم در آن جایی که با دوران امپراتوری روم، قرون وسطی، دوران جدید و دوران پست‌مدرن مواجه می‌شویم.

دروغ در تمدن غرب؛ مسئله‌ای فراتر از زبان

بینید که مسئله کذب و دروغ در تمدن غرب، چه موضوع جالبی است. این مسئله هرگز یک مسئله صرفاً لسانی و زبانی نبوده است، بلکه عمیقاً فلسفی، عمیقاً فرهنگی و عمیقاً الهیاتی بوده است. آنچه شما امروز در مواجهه با تمدن غرب با آن روبه‌رو می‌شوید، یک مسئله ساده نیست. اساساً ما در این تاریخ طولانی با یک انباشت نظری و نیز با یک انباشت واقعی و عینی از مقوله کذب و دروغ مواجه هستیم.

من قصد دارم دو یا سه مورد از آن قسمت را (که در آن از هوش مصنوعی کمک گرفته‌ام، زیرا امکان سنجش همه این موارد را نداشته‌ام) به عنوان نمونه مطرح کنم. پس از ارائه این نمونه‌ها، وارد اندیشه امام شهید خواهیم شد. هدف آن است که ببینید امام شهید در مسند رهبری، هنگامی که تفکر می‌کند و نیز هنگامی که دغدغه‌ای پیدا کرده و به تدبیری می‌رسد، چگونه از ساده‌ترین مسائل، پیشرفته‌ترین تقریرها را ارائه می‌کند. این نکته بسیار مهم و حائز اهمیت است.

ریشه‌یابی کذب در تمدن غرب

یکی از مواردی که اینجانب از هوش مصنوعی جویا شدم، مسئله مراحل گوناگون کذب و دروغ در تاریخ تمدن غرب بود. هوش مصنوعی در پاسخ خود، نقاط نظری متعددی را در ادوار مختلف این تمدن مطرح کرده است. از جمله مهم‌ترین این نقاط، دوره یونان باستان به شمار می‌رود. در یونان باستان (هرچند اکنون مجال بحث تفصیلی درباره آرای افلاطون و ارسطو وجود ندارد)، جریان سوفسطاییان و سوفیست‌ها یکی از نقاط عطف و سرنوشت‌ساز در شکل‌گیری فرهنگ، سیاست و اندیشه جدایی‌زدگی از حقیقت در جامعه غرب آن روزگار محسوب می‌شود. اگر به این نکته اساسی توجه کنیم که یونان باستان در حقیقت همان غرب امروز است، با این تفاوت که در مقیاسی باستانی و در قالبی تاریخی دیگر ظهور یافته است و همچنین اگر توجه نماییم که آتن آن روزگار، بیش از آنکه شهری برای افلاطون و ارسطو باشد، شهری برای سوفیست‌ها و آموزه‌های ایشان بوده است، در این صورت اهمیت این موضوع برای ما صدچندان خواهد شد. نسبی‌گرایی فراگیر در دوره سوفیست‌ها و این واقعیت انکارناپذیر که در آن دوره تاریخی، فن خطابه و سخنوری به تدریج جای استدلال عقلی را گرفته است و نیز تبلیغ و اقناع مخاطب، جای بازنمایی راستین حقیقت را، اگر این سررشته و سرنخ را با دقت دنبال نماییم، به نکات بدیع و تحلیل‌های نوینی از تمدن غرب دست خواهیم یافت. نکته مهم و قابل تأمل آن است که ما تاکنون در مطالعات غرب‌شناسی خودمان هرگز به این ابعاد از مسئله کذب و دروغ در تمدن غرب پرداخته‌ایم و این خلأ پژوهشی همچنان باقی مانده است.

تحول مفهوم حقیقت در دوره روشنگری

حال اگر جلوتر بیاییم و به دوران جدید (دوره روشنگری) وارد شویم، با تحولی اساسی در مفهوم حقیقت مواجه خواهیم شد. در این دوره، فیلسوف دیگر به دنبال واقعیت انضمامی و عینی نمی‌رود، بلکه اساساً به دنبال ذهنی‌سازی واقعیت می‌رود. در این نگاه جدید، واقعیت آن چیزی خواهد بود که شما آن را می‌شناسید و نسبت به آن شناخت پیدا می‌کنید.

تحول کذب از امری فردی به امری نهادی در اندیشه پست‌مدرن

اگر باز هم جلوتر بیاییم و به اندیشه برخی از پست‌مدرن‌ها نظر کنیم، با تحول اساسی دیگری مواجه خواهیم شد. در این اندیشه، وابستگی میان قدرت و گفتمان (یا همان نسبت علم و قدرت) شکل می‌گیرد. بر این اساس، شما با «رژیم‌های حقیقت» روبه‌رو خواهید شد. در چنین فضای فکری، دروغ دیگر یک مسئله اخلاقی فردی نخواهد بود، بلکه به یک امر نهادی و گفتمانی تبدیل خواهد شد.

الگوریتم‌های دروغ در دوران معاصر غرب

در دوران معاصر نیز، شما در حقیقت با الگوریتم‌های دروغ روبه‌رو خواهید شد. دروغ در این عصر به مثابه یک سیستم عمل می‌کند. در شبکه‌های اجتماعی، در هوش مصنوعی، در فضای رسانه‌ای و در فضای اقتصادی، سیستمی پدید آمده است که دروغ تولید می‌کند. امروزه این سیستم حقیقت را ایجاد نمی‌کند، بلکه دروغ را می‌سازد. من این فضا را در تمدن غرب مطرح می‌کنم. شما گاهی اوقات با دروغ گفتن، عملاً بازار را به تلاطم می‌کشانید و پول‌های عظیمی را جابه‌جا می‌کنید. این کار صرفاً به این دلیل انجام می‌شود که شما رسانه در اختیار دارید. از طریق رسانه می‌توانید دلار را بالا و پایین ببرید، نفت را بالا و پایین ببرید، انرژی را بالا و پایین ببرید و مناسبات سرمایه‌داری را به کلی دگرگون سازید.

نقطه عزیمت به سوی اندیشه تمدنی امام شهید

در فضاها عینی نیز (اکنون چون بحث ما غرب‌شناسی نیست و تنها قصد داریم با این مقدمات به نکته مورد نظر برسیم)، می‌خواهم این حقیقت را مطرح کنم که امام شهید، هنگامی که در مسند تمدن‌اندیشی می‌نشیند، چگونه از ساده‌ترین مسائل، فهم تمدنی، تحلیل تمدنی و عمق تمدنی را استخراج می‌کند. هدف من از این مقدمات طولانی آن است که نشان دهم ایشان چگونه می‌تواند ابتدایی‌ترین موضوعات را به ژرفای تمدنی پیوند بزند و از دل ساده‌ترین پرسش‌ها، پیچیده‌ترین لایه‌های تمدن‌پژوهی را آشکار سازد.

دنباله‌روی دروغ در عرصه‌های واقعی و اجتماعی غرب

در فضاهای واقعی و رخداد‌های اجتماعی نیز می‌توان بحث دروغ را دنبال کرد. این پیگیری در دولت‌شهرها، در علم و دانشگاه، در اقتصاد و تجارت و در سایر عرصه‌ها امکان‌پذیر خواهد بود. برای نمونه، در قرن بیستم وقتی روانشناسی مصرف‌گرا را به عنوان پایه رواج مصرف‌گرایی در غرب مورد توجه قرار می‌دهید، یا در بحث رسانه همین موضوع را مشاهده می‌کنید. همچنین در دوره‌های تاریخی پیشین، وقتی نگاه ماکیاولیستی به سیاست را مورد توجه قرار می‌دهید، مشاهده خواهید کرد که فضای سیاسی و فرهنگ سیاسی عملاً در مسیر دروغ توسعه یافته است.

جمع‌بندی مراحل تحول دروغ در تمدن غرب

تا آنجا که در جمع‌بندی و با استفاده از این قسمت از هوش مصنوعی به من اشاره شد، می‌توان مراحل تحول دروغ در تمدن غرب را به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

دوره نخست: دوره‌ای که دروغ به عنوان یک مسئله اخلاقی و فردی مطرح بوده است.

دوره دوم: دوره قرون وسطی که در آن دروغ الهیاتی معنا پیدا می‌کند. در این دوره، دروغ به عنوان گناه محسوب می‌شده است.

دوره سوم: دوره‌ای که دروغ معرفت‌شناختی شکل می‌گیرد. در این دوره، خطا در نسبت با واقعیت اتفاق می‌افتد.

دوره چهارم: دوره‌های دیگر که در آن‌ها دروغ سیاسی و اجتماعی می‌شود. در این دوره‌ها، اساساً دروغ به عنوان ابزاری برای تنظیم نسل مورد استفاده قرار می‌گیرد.

دروغ گفتمانی، تکنولوژیک و سیستمی در عصر هوش مصنوعی

در ادامه این دسته‌بندی، ما در برخی دوره‌ها با «دروغ گفتمانی» مواجه هستیم. همان‌طور که پیش از این نیز اشاره کردم، در این دوره‌ها «رژیم‌های حقیقت» شکل می‌گیرند. پس از آن نیز به دورانی می‌رسیم که در آن «دروغ‌های تکنولوژیک و سیستمی» پدید می‌آیند. در این مرحله، شما از حقیقت عبور کرده‌اید. با شبکه‌ای که ایجاد می‌کنید و با الگوریتم‌هایی که در فضای فناوری تولید خبر و داده‌های کلان شکل می‌گیرند، عملاً کلان‌پدیده‌ها و کلان‌داده‌های کذب و دروغینی را تعریف می‌کنید. در چنین وضعیتی، جهان تا حدود زیادی در فضای هوش مصنوعی، کتابخانه‌های جدید، علوم جدید، داده‌های جدید، مسائل جدید و تحلیل‌های جدیدی را ارائه می‌دهد. شما با این الگوریتم‌ها عملاً حقیقتی را می‌سازید، نه این که حقیقتی را کشف کنید.

پرسشی که از هوش مصنوعی مطرح کردم، درباره رمان‌ها و فیلم‌هایی بود که دروغ را به عنوان یک فضیلت و ارزش ترویج می‌دهند. اکنون به سرعت نمونه‌هایی از این موارد را برای شما قرائت خواهم کرد. پس از ارائه این نمونه‌ها، وارد فرمایشات امام شهید در موضوع صدق و تعهد خواهم شد. این موارد، رمان‌هایی هستند که دروغ را توصیه یا تجویز کرده‌اند. لازم است پیش از هر چیز تأکید کنم که بنده این فهرست را شخصاً بررسی و تأیید نکرده‌ام. شما می‌توانید هر یک از این موارد را جداگانه مورد بررسی قرار دهید؛ چه بسا برخی از آن‌ها جعلی و غیر واقعی از آب درآیند. با این حال، از آنجا که در نسخه پولی این ابزار از آن استفاده می‌شود، احتمال وقوع گزارش یا خبر جعلی در این‌گونه منابع به مراتب کمتر خواهد بود. با وجود این، این مسئله را به عنوان امانتی نزد شما می‌گذارم و از شما خواهش می‌کنم که آن را بررسی فرمایید.

آثار روایی در ترویج دروغ در تمدن غرب

نخستین اثر، کتاب «شاهزاده» از ماکیاولی است. این کتاب یک رمان نیست، بلکه متنی ادبی-سیاسی به شمار می‌رود. در این کتاب ادعا شده است که حاکم باید توانایی دروغ‌گویی، فریب و پنهان‌کاری را داشته باشد. دروغ در این کتاب به عنوان ابزاری ضروری برای حفظ قدرت و ثبات معرفی می‌شود.

دومین اثر، کتاب «لولیتا» از ولادیمیر ناباکوف است. راوی اصلی این کتاب یک دروغگوی حرفه‌ای می‌باشد که مدام روایت را دستکاری می‌کند تا خواننده را فریب دهد. این کتاب عملاً نشان می‌دهد که چگونه یک دروغگو می‌تواند قدرت داستان‌گویی را تبدیل به سلاح کند.

سومین اثر، کتاب «خانه به عادت او» از من فور اول مارکتس می‌باشد. این کتاب استفاده از کلک، مخفی‌کاری و پنهان‌کاری محاسبه‌شده را برای پیروزی در بازارهای مالی نشان می‌دهد. پیام ضمنی این کتاب در حقیقت آن است که فریب، بخشی از بقا و پیشرفت در سیستم‌های پیچیده به شمار می‌رود.

چهارمین اثر، کتاب «بازی اندر» از اورسن اسکات کارد است. در این داستان، قهرمان اصلی یاد می‌گیرد که با فریب راهبردی و پنهان‌کاری تاکتیکی می‌توان جنگ را برد. این کتاب عملاً توصیه می‌کند که دروغ در سطح استراتژیک، گاهی می‌تواند به نفع نجات جمع باشد.

فیلم‌های ترویج‌دهنده دروغ

فیلم‌هایی نیز وجود دارند که دروغ را مثبت، مفید یا حتی لازم نشان می‌دهند. از جمله این فیلم‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اول: فیلم «The Invention of Lying». در جهانی که هیچ کس نمی‌تواند دروغ بگوید، اما وقتی یک نفر توانایی دروغ گفتن را پیدا می‌کند، زندگی‌اش متحول می‌شود و به محبوبیت و ثروت دست می‌یابد. این فیلم تأکید می‌کند که دروغ مهارتی است که می‌تواند ابزار قدرت باشد.

دوم: فیلم «Catch Me If You Can» (سال ۲۰۰۲). این فیلم بر اساس داستان واقعی فرانک ابگنیل ساخته شده است؛ شخصیتی که نابغه جعل و دروغ می‌باشد. او با فریب، هویت‌سازی و داستان‌پردازی از کل سیستم می‌گریزد. فیلم نشان می‌دهد که خلاقیت در دروغ چگونه می‌تواند ساختارهای رسمی را شکست دهد.

سوم: فیلم «The Usual Suspects». کل روایت این فیلم بر اساس دروغ‌های یک شخصیت ساخته می‌شود. دروغ او آن قدر حرفه‌ای است که پلیس، سیستم قضایی و حتی مخاطب را فریب می‌دهد. پیام این فیلم آن است که دروغ اگر خوب ساخته شود، حقیقت را می‌بلعد.

چهارم: سریال «House of Cards» (بنده این سریال را ندیده‌ام). قهرمان اصلی این سریال، فرانک آندروود، قدرت را با فریبکاری، دروغ، پنهان‌کاری و مهندسی روایت به دست می‌آورد. این سریال به طور تهاجمی نشان می‌دهد که دروغ‌گویی بخشی از مکانیسم صعود اجتماعی در ساختارهای قدرت است.

پنجم: فیلم «The Wolf of Wall Street». این فیلم بازنمایی فرهنگ فریبکاری، دستکاری اطلاعات و دروغ‌گویی در بازار مالی را ارائه می‌دهد. فیلم نشان می‌دهد که چگونه این مهارت‌ها ثروت ایجاد می‌کنند. در این اثر، دروغ نه تنها یک رفتار، بلکه یک سبک زندگی به شمار می‌رود.

ششم: فیلم «American Psycho» (سال ۲۰۰۰). شخصیت اصلی این فیلم یک جهان کامل از زندگی دروغین را می‌سازد تا هویت اجتماعی مطلوب خود را حفظ کند. فیلم نشان می‌دهد که جامعه مصرف‌گرا چگونه افراد را به ساختن هویت‌های جعلی تشویق می‌کند.

اینکه من اکنون فضا را برای شما اندکی شلوغ کردم، هدف مشخصی داشت. منظورم این بوده است که شما بنگرید و مشاهده کنید که می‌توان کل تاریخ دو هزار و پانصد ساله تمدن غرب را از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار داد. این بررسی را می‌توان بر اساس ایده‌ها، فلسفه‌ها، نظریات، رخدادها، فیلم‌ها، کتاب‌ها، رمان‌ها، دانشگاه‌ها، اشعار، ادبیات، اقتصاد، نظام سرمایه‌داری، نظام کاپیتالیسم و سایر عرصه‌ها انجام داد. شما می‌توانید برای همه این حوزه‌ها، به اصطلاح «دروغ‌نگاری» کنید و نشان دهید که چگونه دروغ در تمام لایه‌های این تمدن ریشه دوانده و نهادینه شده است.

ضرورت و دستاوردهای احتمالی یک تحقیق تمدنی درباره دروغ در فرهنگ و تمدن غرب

این کار شاید حدود ده سال زمان ببرد، اما خروجی آن چیزی جز «تحلیل تمدنی از دروغ در فرهنگ و تمدن غرب» نخواهد بود. آنگاه شما با انجام همین یک تحقیق، به چنان اشراف محتوایی و اشراف هستی‌شناختی نسبت به تمدن غرب دست خواهید یافت که آن روایات و تحلیل‌ها را نه در ادبیات انتقادی غرب‌شناسی در خود غرب خواهید یافت و نه در ادبیات غرب‌شناسی در جامعه اسلامی ایران. این روایات را نه در میان فردیدی‌ها و نه در آثار اندیشمندان و محققانی همچون آقای رضا داوری، فردید، مددپور، حاج آقای میرباقری و دیگران (حتی در حوزه فرهنگستان‌ها) پیدا خواهید کرد. شما اساساً در این سطح از تحلیل، غرب را تحلیل انتقادی نمی‌کنید. دلیل این امر چیست؟ دلیل آن است که شما اساساً برش تمدنی بدین گونه به غرب نداشته‌اید. اگر حوصله کار تحقیقاتی در دپارتمان‌های غرب‌شناسی را داشته باشیم (که عملاً نداریم)، هرگز حوصله چنین کار تحقیقاتی گسترده و عمیقی را نداشته‌ایم.

اکنون فرمایشات امام شهید در بحث مقوله صدق را بررسی می‌کنیم. بخش‌هایی از فرمایشات امام شهید را برای شما قرائت خواهم کرد. هدف آن است که مشاهده کنید این بزرگ‌مرد در مقام تفکر، به چه مسائلی تفکر می‌کرده است. اساساً بحث تمدن ایشان آن چیزی نیست که گاهی اوقات ما در بنرها و سخنرانی‌ها مشاهده می‌کنیم. ایشان در عمیق‌ترین لایه‌های فهم الهیاتی، دغدغه‌های تمدنی داشته است.

بخشی از این مقاله را قرائت می‌کنم تا با این ادبیات آشنا شوید. این ادبیات را بعداً می‌توانید در تاریخ تمدن اسلامی محک بزنید و مشاهده کنید که سرنوشت راستی، سرنوشت صدق و سرنوشت تعهد در تاریخ تمدن ما چه بوده است. همچنین می‌توانید بررسی کنید که سرنوشت فضیلت‌های اخلاقی در گذشته تمدن اسلامی ما چه بوده و اکنون در نظام تربیتی ما چه می‌تواند باشد؟

نگاه ابزاری به صدق در اندیشه برخی متفکران غرب

در مغرب زمین به این نکته پرداخته شده است که برخی اندیشمندان همچون فوکویاما یا هابرماس به مقوله صدق توجه کرده‌اند. البته این توجه به مثابه یک فضیلت نبوده است، بلکه به عنوان ابزاری برای تأمین رفاه و نظم به آن نگریده‌اند. تلقی آنان از صدق بدین صورت است که اگر شما بخواهید یک زندگی سکولار، این‌جایی و اکنونی خوب داشته باشید، بهتر است که صادق باشید؛ اما در آنجا که دوربین قانون کنار گذاشته می‌شود و شما با دیگری دعوایی پیدا می‌کنید، می‌توانید دروغ نیز بگویید.

صدق در اندیشه تمدنی امام شهید

در حالی که در اندیشه الهیاتی تمدنی امام شهید موضوع صدق، ابزاری برای فلاح و اقامه حق آن هم در سطح یک امت به شمار می‌رود. تمرکز امام شهید بر مفهوم صدق ذیل «رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» یک موضوع فردی و اخلاقی صرف نیست؛ بلکه یک امر جامعه‌ساز و بلکه تمدن‌ساز است. در این نگاه صدق به معنای راستگویی زبانی نیست، بلکه به معنای وفاداری عملی به پیمان‌های بنیادین و انطباق عمل با آرمان در مقیاس یک ملت و بلکه در سطح یک امت است.

توسعه معنایی صدق

امام شهید در اینجا صدق را دچار توسعه معنایی می‌کند. در این توسعه معنایی، ایشان چنین بیان می‌دارند که صدق به معنای راستگویی صرفاً زبانی نیست، بلکه به معنای وفاداری عملی به پیمان‌های بنیادین و نیز انطباق عمل با آرمان‌ها در سطح یک حکومت خواهد بود.

خروج مفاهیم اخلاقی از حصار فردیت در اندیشه امام شهید

در منظومه‌ی فکری سیدالشهدای انقلاب مفاهیم اخلاقی از حصار توصیه‌های فردی و موعظه‌های شخصی خارج شده و به مثابه ابر سیستم‌های اجتماعی و قوانین سخت تاریخی بازتعریف می‌شود. در این میان مفهوم صدق راستی و درستی، صرفاً فضیلتی برای رستگاری شخصی نیست، بلکه ملات اخلاقی و عنصر قوام‌بخش در سطح یک تمدن است.

صدق؛ شرط تحقق توحید در هویت فردی و تمدنی

بر اساس متن بیانات امام شهید می‌توان صدق را نه به عنوان نقیض دروغگویی زبانی، بلکه به عنوان انطباق تمام عیار پندار، گفتار و کردار با تعهدات اخلاقی و مسئولیت‌های اجتماعی تعریف کرد که صدق در توحید و وفاداری به خدای یگانه است. در این رویکرد کسی بخواهد توحید الهی را در هویت خود پیاده نماید باید بتواند صدق و وفاداری حقیقی را در متن یک تمدن محقق سازد.

در جای دیگری از فرمایشات امام شهید، بحث معنای صدق و راستی در مقایسه میان مسیحیت و اسلام مطرح شده است. اینجانب اکنون برخی از عبارات صریح ایشان را مستقیماً نقل خواهم کرد و در برخی موارد نیز توضیح و بیان خود را ارائه خواهم داد.

صدق در ادیان ابراهیمی

مفهوم صدق را در ادیان ابراهیمی دیگر نیز می‌توان دنبال کرد، آنجا که سخن از پیمان، سخن از ایمان سخن از حقیقت و پایداری و سخن از وفاداری به عنوان زیربنای ساخت یک تمدن به میان می‌آید. لیکن

نکته‌ای که در این باره وجود دارد این است که برخی از ادیان مانند مسیحیت به ویژه پروتستانیسم، به شدت این مفهوم را فردی و درونی می‌کنند، در حالی که در رویکرد امام شهید، صدق به میدان مبارزه اجتماعی و بلکه سطح تمدن کشیده می‌شود.

صدق، موتور محرک تمدن

در منظومه فکری امام شهید صدق موتور محرکه یک تمدن هست. از این نظر تمدن‌ها با ایده شروع می‌شوند اما با صدق ساخته می‌شوند. صدق (این جملات خیلی جملات فوق‌العاده کلیدی و بسیار مهم و بسیار پرمغزی است) در رویکرد امام شهید صدق یعنی پر کردن شکاف بین نظر و عمل و التزام به نظر در مقام عمل و بلکه استقامت و ایستادگی برای آرمان‌های واقعی است.

صدق، عامل یکپارچگی در برابر نفاق

در نگاه امام شهید، کسی که مقاومت نمی‌کند، نسبت به ایده و آرمان‌های خود صادق نخواهد بود. در این دیدگاه، آیه شریفه «لَمْ تَقُولُوا مَا لَّا تَفْعَلُونَ» روی دیگر سکه سقوط تمدنی به شمار می‌رود. بر اساس این تحلیل، انسان صادق و به تبع آن جامعه صادق، اساساً موجودیتی یکپارچه خواهند داشت. نفاق به معنای دوپارگی و شکاف است، در حالی که صدق به معنای انطباق ظاهر و باطن می‌باشد.

تمدن کاذب در تضاد با سنت‌های الهی

تمدنی که در آن فاصله بین شعار و عمل یا فاصله بین سبک زندگی مسئولان و ادعاهای انقلابی زیاد است، تمدنی کاذب به وجود می‌آید. تمدن کاذب چون با سنت‌های الهی در تضاد است محکوم به زوال است. پس صدق عامل انسجام درونی در سیستم تمدنی است.

اعتماد چند لایه؛ سوخت حرکت تمدنی در اندیشه امام شهید

از این منظر اساساً جامعه تمدن، جامعه‌ای است که در آن نه تنها شعاع اعتماد بین حاکمیت با مردم بالاست، بلکه این صداقت و اعتماد بین نخبگان با آرمان‌ها، بین مردم با مردم، بین همسایه با همسایه و نیز بین همه اعضای اثرگذار در جامعه بالا هست و همین اعتماد پیچیده و چند لایه در جامعه، نوعی از اعتماد عمومی و صدق انباشته را درست می‌کند. همین اعتماد چند لایه می‌تواند سوخت حرکت تمدنی را بسازد و مولد نوعی از مناسبات انسانی و اثرگذار برای ساخت تمدن به مثابه کلان‌ترین نظام مناسبات انسانی باشد.

با عطف بدین نکته می‌توان عمق اندیشه تمدنی امام شهید را در نگاه به جامعه ایرانی از یک سو، نگاه به جامعه اسلامی از سوی دیگر و تقابل با دنیای استکباری و استعماری غرب از دیگر سو را به خوبی فهمید که من نمونه‌اش را در مورد تمدن غرب اشاره کردم.

هستی‌شناسی صدق در اندیشه امام شهید

سپس امام شهید به موضوع هستی‌شناسی صدق می‌پردازد. بخشی از بیانات ایشان را درباره شخصیت حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) برای شما آماده کرده‌ام. ایشان در این قسمت چنین بیان می‌دارند که اساساً در یک تمدن، باید بر اساس نظام حق و نظام راستی عمل شود. این نظام حق و راستی، در نظام خلق و نظام تکوین از پیش شکل گرفته است. یک تمدن باید تداوم و تطابق خود را با آن نظام حق حفظ کند، در غیر این صورت به آستانه‌های زوال و سقوط نزدیک خواهد شد.

صدق، رمز هماهنگی تمدن با نظام حق

تمدنی که می‌خواهد پایدار بماند، باید خود را با عالمی که بر اساس حق بنا شده هماهنگ کند. صدق نام رمز این هماهنگی است. امام شهید موضوع صدق را فراتر از راستگویی در خبر می‌دانند و آن را با موضوع وفای به عهد معنا می‌کنند. از نظر ایشان تمدن اسلامی بر پایه یک میثاق شکل می‌گیرد: میثاق میان امام و امت و میثاق میان جامعه و خداوند.

تأملی در آیه میثاق مؤمنان از نگاه امام شهید

آیه شریفه «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» که بارها مورد استناد امام شهید قرار گرفته است، به روشنی نشان می‌دهد که صدق به معنای مقاومت، پای کار ماندن و عمل کردن به تعهدات انقلابی است.

خلف وعده نخبگان؛ خروج تمدن از مدار واقعیت

تمدنی که مسئولان و نخبگانش دچار خلف وعده شوند، در حقیقت از مدار واقعیت هستی خارج خواهند شد؛ بنابراین، صدق به معنای پایداری بر سر آرمان‌ها تا مرز بذل جان خواهد بود. این فلسفه شهادت امام شهید، بر اساس فلسفه اخلاق تمدنی ایشان شکل می‌گیرد. سپس امام شهید این نگاه را درباره شخصیت حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) پیاده می‌کند و آن را دنبال می‌نماید.

صدق مسئولان؛ مکانیسم تولید اعتماد عمومی و قدرت ملی

امام شهید در بحث صدق و مکانیسم تولید قدرت ملی، این موضوع را به شکلی گسترده‌تر مطرح می‌کند. ایشان در عرصه اعتماد عمومی (که به مثابه سرمایه حیاتی یک تمدن تلقی می‌شود) به این نکته اشاره می‌فرمایند که بزرگ‌ترین سرمایه یک نظام سیاسی، اعتماد مردم است. این اعتماد تنها از مسیر صدق و راستی مسئولان حاصل می‌گردد. تحلیل رابطه علی و معلولی در اینجا از دقتی بسیار بالا برخوردار است. هنگامی که مسئولان

با مردم صادق باشند (حتی در بیان مشکلات و ضعف‌ها)، مردم احساس یگانگی خواهند کرد و این یگانگی، مشارکت عمومی را به همراه خواهد آورد.

حضور فعال مردم؛ شرط حیات تمدن

در این نگاه، تمدن بدون حضور فعال مردم تنها یک پوسته خشک و بوروکراتیک خواهد بود. بر این اساس، دروغ یا پنهان‌کاری مسئولان نه یک خطای تاکتیکی، بلکه ضربه‌ای استراتژیک به پایه مشروعیت و کارآمدی یک تمدن به شمار می‌رود. امام شهید تصریح می‌فرمایند که اگر مردم صداقت را مشاهده کنند، کمبودها را تحمل خواهند کرد، اما دوگانگی و بازیگری را هرگز بر نخواهند تابید.

صدق در دیپلماسی

اما در عرصه دیپلماسی و در ساحت روابط بین‌الملل، امام شهید صدق را به معنای صراحت در بیان مواضع و نترسیدن از هیمنه دشمن تفسیر می‌فرمایند. ایشان به این نکته می‌پردازند که تمدن اسلامی، تمدنی است که زبانش همان زبان دلش می‌باشد. این صدق در سیاست خارجی، تولید هویت خواهد کرد.

نفاق و استانداردهای دوگانه

قدرت‌هایی که با نفاق استانداردهای دوگانه مثل غرب در موضوع حقوق بشر عمل می‌کنند، فاقد جاذبه تمدنی هستند؛ اما ایستادگی صادقانه بر سر اصول حتی اگر هزینه‌بر باشد، برای ملت‌های دیگر الهام‌بخش است و عمق راهبردی تولید می‌کنند.

امیرالمؤمنین علی (ع)، الگوی صدق و صراحت در رأس حکومت

امام شهید در مورد حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام ایشان تطبیق می‌دهند و می‌فرمایند که: «امیرالمؤمنین (ع) هم مظهر تقوا و امانت و هم دارای صدق و صراحت بود. آن بزرگوار با اینکه یک سیاستمدار و رئیس دنیای اسلام بود و تدبیر و امور یک جمعیت عظیم چند ده میلیونی آن زمان با نبود وسایل امروزی برای ارتباط، بر دوش او بود و جامعه و امت اسلامی را اداره می‌کرد، اما سیاستمداری علی (ع) موجب این نشد و نمی‌شد که از جاده صداقت و صراحت کنار آمد. علی صادق و صریح بود، آنچه می‌گفت به آن معتقد بود و برای او راهنمای عمل بود. برای این است که کلمه گفته‌شده گفتار امیرالمؤمنین (ع) در طول تاریخ مثل نورافکنی برای زبندگان نخبگان فکری عالم درخشیده است».

گره‌زنی صدق به قوانین متافیزیکی تاریخ

بحث امام شهید به فرمول «صدق به اضافه صبر مساوی نصرت» می‌پردازد. به نظر، نوآورانه‌ترین بخش اندیشه تمدنی ایشان درباره صدق، گره زدن آن به قوانین متافیزیکی تاریخ می‌باشد.

تمدن‌سازی؛ فرایند فرامادی

از این منظر تمدن‌سازی صرفاً یک فرآیند مادی نیست، بلکه نیازمند نصرت الهی است و نصرت الهی هم نه یک فرآیند گتره‌ای، بلکه یک فرآیند ریاضی‌وار و عقلانی را طی می‌کند.

نصرت الهی مشروط به صدق و صبر

امام شهید با استناد به آیات قرآن و تجربیات صدر اسلام، فرمولی ریاضی‌گونه را برای پیروزی تمدنی ارائه می‌دهد. از این نظر، خداوند نصرت خود را به صورت تصادفی توزیع نمی‌کند. نصرت الهی مشروط به صدق خواهد بود. اگر صدقی در کار نباشد و نیز اگر صبری برآمده از آن صدق وجود نداشته باشد، نصرت و پیروزی نیز شکل نخواهد گرفت.

صدق؛ کلید فعال‌سازی امدادهای غیبی در مهندسی تمدن

وقتی یک ملت در میدان‌های سخت، جنگ، تحریم، فتنه از خود راستی نشان بدهد یعنی نترسد جا نزند به وعده الهی اعتماد بکند خداوند این صدق را می‌بیند و صبر برخواسته از این صدق را می‌بیند و آنگاه نصرت را نازل می‌کند. صدق در اینجا به معنای تحمل هزینه حق‌مداری است. تمدنی که بخواهد بدون هزینه دادن و با فرصت‌طلبی رشد بکند هرگز مشمول سنت نصرت نخواهد بود. پس صدق کلید فعال‌سازی امدادهای غیبی در مهندسی یک تمدن است.

غربالگری تاریخی تمدن

امام شهید بحثی نیز درباره غربالگری تاریخی تمدن مطرح می‌فرماید. ایشان می‌فرمایند که فتنه‌ها و سختی‌ها، آزمون صدق هستند. بر اساس آیه شریفه «لَيْسَ السَّالِةَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ»، خداوند جوامع را در کوره حوادث می‌اندازد تا عیار صدق آنان مشخص شود. تمدن نوین اسلامی از دل همین کوره‌ها بیرون خواهد آمد. کسانی که در زبان ادعای همراهی دارند اما در عمل می‌لغزند، در واقع در آزمون صدق مردود خواهند شد؛ بنابراین، صدق معیار خالص‌سازی کادرهای تمدن‌ساز خواهد بود.

عوامل فروپاشی تمدن از نگاه امام شهید

امام شهید در جایی دیگر بحث می‌کند که دروغ را عامل فروپاشی یک تمدن می‌داند. همچنین ریا و نفاق را نیز از عوامل فروپاشی یک تمدن به شمار می‌آورند. ایشان همچنین به موضوع غفلت می‌پردازند و آن را در مقابل صدق قرار می‌دهند. کسی که صادق باشد، غفلتی از خود نشان نخواهد داد.

تمدن نوین اسلامی؛ تجلی اجتماعی و جهانی صدق

در نتیجه‌گیری نهایی، تحلیل اندیشه حضرت امام شهید ما را به این نقطه می‌رساند که تمدن نوین اسلامی چیزی جز تجلی اجتماعی و جهانی صدق نخواهد بود. این صدق را می‌توان در اینجا به مثابه «ام‌الفضائل اجتماعی» حساب کرد و مطرح نمود. این صدق در سه عرصه قابل جستجو خواهد بود: هدف تمدنی، روش تمدنی و کارگزار تمدنی.

صدق؛ راهبرد کلان تمدن اسلامی

صدق در اینجا در سه سطح معنا پیدا می‌کند. نخست، صدق در هدف این تمدن که قرب الهی و عدالت است. دوم، صدق در روش؛ باور به اینکه با دستمال کثیف نمی‌توان شیشه را تمیز کرد، یعنی با روش‌های دروغین و سیاست‌بازانه نمی‌توان به اهداف مقدس رسید. سوم، صدق در کارگزار که شرط اصلی مشروعیت مسئولان، صدق و امانت‌داری خواهد بود؛ بنابراین، صدق در این قرائت، استراتژی کلان امنیتی، سیاسی و فرهنگی به شمار می‌رود.

صدق؛ مسیر قله تمدن

راه عبور از گردنه‌های سخت کنونی و رسیدن به قله تمدنی، نه صرفاً تکنولوژی و اقتصاد که آن‌ها هم لازمند، بلکه بازگشت تمام عیار با صدق با خدا و صدق با مردم است. پس آینده تمدنی ما در گرو میزان صدق ماست.

صدق نرم افزار اتصال زمین و آسمان

بدین سان در این اندیشه، صدق نرم‌افزار اتصال زمین و آسمان خواهد بود. تمدنی که این اتصال را نداشته باشد، شکست خواهد خورد. تمدنی که این اتصال را داشته باشد، شکست‌ناپذیر است و تمدنی که این اتصال زمین و آسمان را قطع کند، علی‌رغم تمام زرق و برق‌های ظاهری، در سراشیبی سقوط قرار خواهد گرفت. چرا؟ زیرا با حقیقت عالم در جنگ خواهد افتاد.

صدق، پذیرش خطر و ایستادگی

البته امام شهید می‌فرمایند که صدق و راستی خطراتی را به همراه دارد. شناخت این خطرات و سپس مقاومت و ایستادگی در برابر آن‌ها ضروری خواهد بود. قرآن کریم می‌فرماید: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ». ترجمه آیه شریفه آن است که از میان مؤمنان، مردانی پاک‌سیرت وجود دارند که بر سر آن پیمانی که با خدا بسته‌اند، صادقانه ایستاده‌اند. از میان این عده، برخی به

شهادت رسیده‌اند و برخی دیگر همچنان در انتظار به سر می‌برند. از این آیه شریفه چنین برمی‌آید که صادقان حقیقی، کسانی هستند که در راه پیمان‌داری خود، منتظر می‌مانند تا جام مرگ را بنوشند.

جام مرگ صادقان؛ سرآغاز حیات تمدنی و انقلابی نو

این در حقیقت دقیقاً بیانگر زبان حال خود ایشان خواهد بود. امام شهید در ادامه اضافه می‌کنند که وقتی صادقان در راه پیمان‌داری خود جام مرگ را بنوشند، این مرگ عملاً یک «مرگ تمدنی» خواهد بود، بلکه به شهیدی زنده تبدیل می‌شود. این شهادت، خونی پُرخروش و جوشنده را پدید می‌آورد که جامعه را از نو برمی‌انگیزاند و انقلابی جدید در جامعه خلق می‌کند.